

گذری بر موسیقی در تعزیه



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

هوشنگ جاوید



پروفیسر شگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرنٹل جامع علوم انسانی

شیراز

رضا حیدرپور فرزند استاد مرحوم محمدحسین حیدرپور و نوه کربلایی حیدر شبیه‌خوان شیرازی است، نسل اندر نسل معین البکاء بوده‌اند، ۵۰ ساله است و چکیده هنر تعزیه.

ابراهیم خانی‌زاده پنج‌جاه و پنج‌ساله است و از پنج‌سالگی بچه‌خوانی در تعزیه را تحت آموزش‌های پدرش فرا گرفته و اینک پیرترین شهادت‌خوان شناخته می‌شود و در زرقان فارس فعالیت می‌کند. به سبب پژوهش در موسیقی مذهبی ایران با این دو هنرمند به گفتگو نشستیم که حاصل آن در پی می‌آید:

● حیدرپور: مربی ما و استاد ما در زمینه آوازها و موسیقی‌ها پدرهایمان بوده‌اند، یا کسانی در حد پدرهایمان، مثل خدا بی‌امرز «ملا‌امیر» که تعزیه‌خوان معروف حسینیۀ قوام بود و پسرش الان نوازنده ما است یا، «حسین هاشمی».

بین ما شبیه‌خوانان اصطلاحی هست که می‌گوئیم فلانی چکیده است، یا فلانی چیده است، چکیده به کسی می‌گویند که تعزیه را نسل به نسل یاد گرفته باشد و از طفولیت پای تعزیه رشد کرده باشد و هنگامیکه به او می‌گویند فلان تعزیه را اجرا کن بلافاصله شروع به اجرا کند، بدین ترتیب چکیده به کسی می‌گویند که هم زیر و

بم نقش‌ها و آوازاها را بلد باشد هم بیش از صد تعزیه را بلد باشد.

این بلد بودن یعنی اینکه اصالت‌ها را بدانند و آوازاها را روی دستگاه خودش بخوانند، هر درآمدی را روی خودش اجرا کند، به طور مثال، در تعزیه عباس (س) درآمد را همایون بخواند و هر درآمدی را روی مایه خودش اجرا کند.

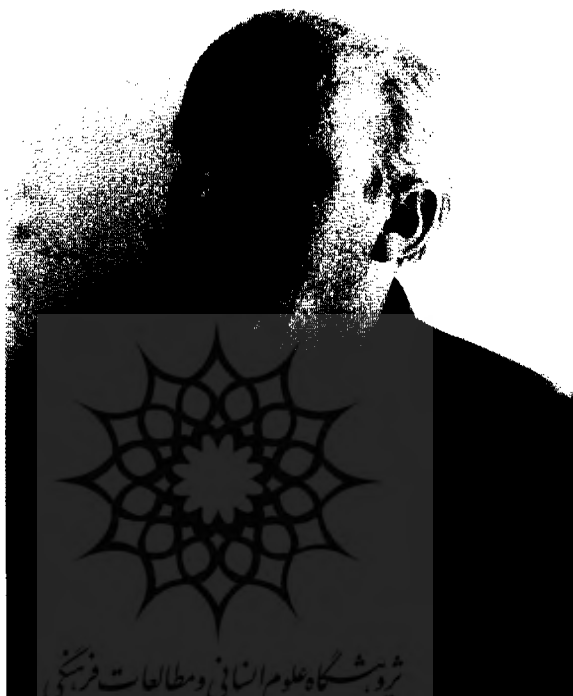
○ خان‌زاده: الان عده‌ای دارند آن حالت‌ها را از بین می‌برند، مثلاً تعزیه علی اکبر از اول که شروع می‌شود با چهارگاه آغاز می‌شود بعد به سه گاه و راست پنجگاه می‌رود و در نهایت با حسینی و مویه تمام می‌شود، مثلاً این شعر را در حسینی می‌خوانند: ای پدرجان هوس رفتن میدان دارم...

● حیدرپور: در تعزیه حضرت عباس (ص) درآمد را همایون بخواند، در تعزیه علی اکبر درآمد را چهارگاه، بعدش «میگلی»، وقتی تعزیه حضرت یوسف است در چاه «قرابی» بخواند، متأسفانه امروز در بیشتر نقاط فارس آوازاها روی دستگاه خوانده نمی‌شود.

○ خان‌زاده: در تعزیه هنده (تخته هنده) از ابتدا تا آخر راک عبدالله است، وفات حضرت خدیجه مثنوی شکسته اجرا می‌شود، تعزیه وفات پیغمبر مثنوی است و مخالف اُشتلم می‌خواند، تعزیه وهب راک است و مخالف خوان مثنوی پاسخ می‌دهد.

● حیدرپور: سی سال قبل به پدرم گفتم چرا هنده نمی‌خوانید شما که بهترین نسخه را دارید؟ گفت: حسین هاشمی که فوت کرد، یعنی هنده مرد، چرا که در دستگاهی خاص خوانده می‌شد، پر از لطافت و تنوع به لحاظ گوشه‌های آوازی است و امروزه کسی از پس پیاده کردنش بر نمی‌آید، تعزیه فارس اصلش اجرا روی دستگاه است اگر از دستگاه خارج شد خراب می‌شود، نوحه‌ها، مراثی، مدح، چاووش همه باید روی دستگاه خودش خوانده شود، اینهم میسر نیست مگر آنکه چکیده باشی، از طفلان مسلم شروع کنی، بقیه را کم‌کم بشناسی، مثل حارث، زن حارث، عبید، مختار، شخصیت‌های متفاوت اشقی را بشناسی، بدانی زره‌پوش‌ها با

رضا حیدر پور



هم چه تفاوتی دارند، به طور مثال زره پوشی تعزیه مالک اشتر که هماهنگی دقیقی بین خواننده و نوازنده در زمینه اجرای ساقی نامه می‌طلبد.

() خانی‌زاده: موسیقی تعزیه موسیقی جاری در جامعه خود ما است، اگر درست انجام بشود، به همین دلیل باید عرض کنم که پژوهشی را که آقای صادق همایونی در زمینه تعزیه در فارس انجام داده‌اند دارای نقص است چرا که به اینگونه مسائل پرداخته نشده، از سوی دیگر در بحث شعر هم آن پژوهش دارای مسئله است چرا که راویان خوب مسئله را نمی‌دانسته‌اند، در حالیکه بسیاری از اشعار حتی به لحاظ

واژگان هنوز هم جای پژوهش دارد.

جلوتر از اینها تعزیه در شیراز به صورت تئاتر درآمد بود، در همه جا اشعار را رها کرده بودند، متن تئاتری می خواندند. الان کمی بهتر شده، شماها و امثال شماها باید کاری کنید که این سنت از بین نرود، ما حق نداریم این سنت را تغییر بدهیم، الان پیش درآمدها را اکثراً حذف کرده اند، اول یک پیشخوانی هست، دو نفر می ایستند پیش درآمد می خوانند، همان پیش واقعه خوانی به مردم آمادگی می داد، اما حالا آن را از بین برده اند.

در همین جشنواره تعزیه امسال شیراز هیچکدام از گروهها پیش درآمد انجام ندادند، در حالیکه پیش درآمد آگاهی کلی اجرا را در بیننده بوجود می آورد، چرا که خلاصه متن تعزیه است، چه آهنگ های قشنگی داشت، مثل تعزیه حر که آقای شجریان هم از آنها اجرا کرده، ناگفته نماند که بخشی از موسیقی تعزیه هم به دلیل تشخیص طرب انگیز بودن از طرف خودمان حذف شده و از آنها استفاده نمی کنیم، مثل بخشی از تعزیه قاسم (س) و یا تعزیه شصت بستن دیو که در آن مقام «چویی» اجرا می شد، چرا که آنهایی که معاند تعزیه هستند بهانه پیدا می کنند که: هان ببینید به بهانه تعزیه چه می کنند؟! در حالیکه نفس تعزیه را نمی شناسند، تیشه به ریشه اصل کار می زنند، به همین دلیل اجرا نمی کنیم، هیچ جا هم فلسفه کار را توجیه نکرده اند ضعف بیش دیگران ما را به خودسانسوری واداشته!

● حیدرپور: تعزیه خوان باید زرنگ باشد، هیكل داشته باشد، شمشیرزن باشد، سوارکار باشد، بداند که معین البکاء چه می خواهد، تفاوت نسخه ها با هم را بداند، مثلاً عباس دو برادری داریم، سه برادری داریم، چهار برادری داریم، تک برادری هم داریم، در تعزیه حضرت زهرا (س) هم چهار زمینه داریم، در به پهلوی خوردن، قصه فدک، باغ اناری و پشم ریسی در تعزیه امام رضا (ع) هم چند پرده داریم مثل: شیر پرده، باغ رضی، زهر خوردن و مسموم شدن، باید فرق زمینه های اجرا را بداند.

پروایم
خانم زاده



○ خانم زاده: بلندگو هم نباید به دست بگیرند، با میکروفن و بلندگو مخالفم، چرا که به نظر من بلندگو حالت زودپز دارد، همانگونه که آن مزه غذا را می برد، بلندگو هم مزه صدا را می بزد، تعزیه را باید بدون بلندگو خواند چرا که وقتی خواننده خودش می خواند مردم سکوت می کنند تا مسئله را دریابند اما وقتی بلندگو صدای زیاد می دهد شنونده هم هر حرف خصوصی خودش را هم که دارد می زند، می گوید کسی که متوجه من نیست، باید الان رو بیاوریم به بدون بلندگو خواندن و به درک حالت رسیدن و رساندن، سنت را باید رعایت کرد شعر را هم باید درست بخوانند و

جایگزین نکنند.

● **حیدرپور:** البته گاه شده که براساس بداهه هم عمل می‌شود اما با دقت، طوری که بدعت بدی پدید نیاید، این بداهه را اکثراً در شعر بکار می‌بریم، تعزیه‌خوان باید مهارت در پاسخ به آهنگ مقابل داشته باشد، بحر طویل را بحر طویل پاسخ دهد، حالا اگر امام‌خوان است باید کوبنده‌تر باشد، تعزیه‌خوان باید در اجرا قدرتی به خرج دهد که تماشاگر با حلقه مخلوط شوند، مجلس گرم شود و داخل فیض شوند و به ثواب برسند.

○ **خان‌زاده:** نوازندگان موسیقی تعزیه اغلب از بچگی در کنار تعزیه، بزرگ می‌شوند و موقعی که می‌خواهیم کاری انجام بدهیم او می‌پرسد که موضوع امروز چیست و موسیقی‌های مخصوصی آن مجلس را می‌زند، اینان گاه تا آن حد وارد به کارشان بودند که اگر بازیگر در نقش "جابزند" و به اشتباه بخش دیگری را اجرا می‌کرد، او بارمزی که از طریق ریتم و ملودی می‌داد بازیگر را متوجه اشتباه خود نموده و او را به سر مطلب باز می‌گرداند، که چه بخواند و از کجا بخواند و به این ترتیب تصحیح‌کننده هم می‌شود.

● **حیدرپور:** به طور اصولی تعزیه‌خوان هم باید "تیرخوان" باشد هم "تخته‌خوان" ما اشقیای تیر داریم مثل شمر، اگر همین شمر بنشیند و بر منبر بخواند می‌شود اشقیای تخته، یا بچه‌خوان تعزیه سکینه (س) نسخه‌خوان تیراست، آنکه نسخه‌خوانی تیر می‌کند باید تندی را داشته باشد، بعضی جاها باید بصورت بده بستان عمل کرد مثل قنبرخوانی در تعزیه.

○ **خان‌زاده:** در قدیم اینطور بود که پیش از پیش واقعه، نقاره‌ای روی بام نواخته می‌شد آنکه در صحرا کار می‌کرد با شنیدن این صدا دستش را جمع می‌کرد، آماده می‌شد برای رسیدن به مجلس، آن نقاره را می‌گفتند: "دهل اول"؛ به ربع ساعت بعد ریتم دیگری نواخته می‌شد که به آن "دهل دوم" می‌گفتند که نزدیک شدن به زمان

اجرای تعزیه را اعلام می‌کرد، در "دهل سوّم" که ربع ساعت بعد از دهل دوّم نواخته می‌شد همه می‌دانستند که تعزیه شروع شده، صدای نقاره تعزیه حرمت داشت مردم به محض شنیدن دست از کار می‌کشیدند و پای مجلس امام حسین (ع) می‌آمدند، اما هم این رسم و هم آن حرمت امروز از بین رفته است.

آنچه که یاقیمانده اینکه در تعزیه از نغمگی‌های بومی استفاده می‌برند آنهم گاه گذاری، به طور مثال جهرمی، صابوناتی (اصطهباناتی)، حاجیونی، بیدگونی، سرگردانی مسلم در صحرا را با "بیدگونی" اجرا می‌کنیم.

در استان فارس به طور معمول در عزا و عروسی از کرنا، سرنا و دهل استفاده می‌کنند، منتهی در تعزیه نوعی نغمگی‌ها را اجرا می‌کنند که در اصطلاح به آن "طبل وارو" می‌گوئیم یعنی ملودی‌های سرنا که در عروسی می‌زنند در اینجا وارو اجرا می‌شود، نغمگی با نوع انگشت‌گذاری روی سرنا تغییر می‌کند، برعکس می‌شود به آواز نزدیک می‌شود، یعنی طرب آن از بین می‌رود، خالصانه برای امام حسین (ع) می‌زنند، در محرم که صبح‌ها نوازندگان طبل عزا می‌نوازند، وقتی صدای این سازها درمی‌آید عده بسیاری با نوای آن می‌گریند، به دلیل حالتی که نغمه در ذهن پدید می‌آورد، ما در تعزیه علی‌اکبر حسین (ع) قسمتی داریم به نام "سرتراشی" که ساز کرنا و سرنا در آن عمل حزن‌آوری را به حد زیبایی اجرا می‌کنند، در قسمت‌های حزن‌انگیز از ساز سرنا استفاده می‌کنیم و در قسمت‌های ورود اشقیاء و یا بخش‌های نسبت "شادی، خبر، نبرد، از کرنا استفاده می‌کنیم، چون سازهایی مثل ساکسیفون و ترومپت از نظر حزن‌آوری به سرنا و کرنا نمی‌رسند.

اصفهان - دولت‌آباد

■ مسلم حلوائی نوازنده سازهای بادی تعزیه دولت‌آباد اصفهان

بیست و چهار سال است که موسیقی تعزیه را اجرا می‌کنم و از روی عشق و

علاقه به اینکار رو آوردم، از طریق گوش کردن آهنگ‌ها را یاد گرفتم، استاد نداشتم، آنقدر نشستم پای تعزیه و گوش دادم و نگاه کردم تا یاد گرفتم چگونه بنوازم، از استادانی که به دستشان نگاه کردم و چگونگی نواختنشان الگویی برای من شد یکیشان زنده است به نام "حج اسمال" که فلوت می‌زد اما حالا پیرمرد شده دیگر نمی‌زند، او هم استادی نداشته، البته در زمان سربازی که در شهرضا خدمت می‌کردم شیپور می‌زدم، هم فلوت هم ترومپت، در تعزیه خبر را با زدن شیپور جمع که از سربازی یاد گرفتم و مخصوص وارد شدن افراد است یاد گرفته‌ام و می‌زنم برای ورود، برای جمع شدن مردم و دیدن تعزیه از آهنگ‌های قدیمی مخصوص تعزیه می‌زنم، برای ورود اشقیا هم شیپور جمع نظامی را می‌زنم چرا که اینهایی که به میدان می‌آمدند سبزی فروش که نبودند فرمانده چندین هزار نفر سپاهی بودند، موسیقی باید اینرا برساند، یک استاد دیگری هم اینجا بود به نام حسام که شیپور می‌زد. باور کنید از این کار برای امام حسین (ع) خیلی چیزها در حد معجزه دیده‌ام، اینکار باطنی می‌خواهد، البته در جاهای دیگر، اطراف اینجا، خیلی گوشه‌ها از بین رفته، اما اینجا ما هنوز براساس سنت‌ها ساز می‌زنیم و اجرای آهنگ‌های قدیم را انجام می‌دهیم.

■ محمدعباسی؛ طبّال، ۶۳ ساله، نابینا، دولت‌آباد اصفهان

چهل سال است طبّالی می‌کنم، اینکار را با عشق و علاقه شروع کردم، در خانواده‌ام با آنکه به تعزیه علاقه‌مند بودند اما وارد اجرا نشده‌اند، کار اینجور شروع شد که پیرمردی بود در اینجا به نام "علی" که طبّالی می‌کرد منم می‌آمدم پهلویش می‌نشستم تا یاد بگیرم کم‌کم با او، گاه سنج زدم، گاه دُهل تا اینکه دیگر نوازنده شدم، پیش از این در دولت‌آباد به جای این طبل بزرگ جاز که امروز می‌زنند دهل می‌زدند، از وقتی این آمد آن از بین رفت، منم که پیر شدم، دیگر توان کشش سنگینی دهل را

نداشتم دادم به کسی که او بزند و خودم طبل کوچک می‌زنم، ریتم‌ها را روی دهن خودم اجرا می‌کنم، ما برای تبلیغ آنچه که امام حسین (ع) می‌خواست به اینکار روی آوردیم، به عشق او آمده‌ایم، استاد من مرحوم علی کمالی مطلق، معروف به علی طَبَّال هم عاشق بود، او طبل‌زنی را در دسته قشون یاد گرفته بود، ما امیدمان اوّل به خدا و دوّم به امام حسین (ع) است.

■ حاج شیخ مهدی رفیعی، مدیر اجرایی تعزیه، نوحه خوان و چاووش‌خوان

۱۲۵ ساله

من همه کاره تعزیه بودم، آن سالها، آن روزها، اما حالا که اینجا هستم می‌خواهم بمیرم و نمی‌میرم، نه می‌توانم راه بروم، نه چشمانم می‌بیند، نه گوشه‌ایم می‌شنود، مگر نمی‌بینید که با عصا راه می‌روم، کسی را ندارم، تنها هستم، پدر من همه کاره تعزیه بود، در دوره زندیه این مکان تعزیه دولت آباد به نام "لا" درست شد، اینجا سیل‌های عظیم می‌آمد گل زیادی می‌آورد اینجا جمع می‌کرد، بعدها که مسیر رودخانه عوض شد اینجا را مکان تعزیه کردند با همان نام "لا" یعنی گل بازمانده از سیل، او در ۱۳۲۵ فوت کرد، مرگش اینطور بود که دکتری به نام "میرزا محمود" آمد برای معالجه‌اش به پدرم گفت اگر می‌خواهی دردت درمان شود، باید عرق هفت ساله بخوری، پدرم دستهایش را به آسمان کرد گفت خدا من یک عمر خدمتگزار دستگاه امام حسین (ع) بودم راضی نباش که من عرق بخورم و دهانم که یک عمر به دعا و ذکر گشته آلوده و نجس شود، دکتر هنوز به دروازه دولت آباد نرسیده بود که پدرم مرد و دکتر را خبر کردند که برگردد، من نسخه‌ها را به دست نسخه‌خوان می‌دادم و می‌گفتم چه کنند، آنها را تصحیح می‌کردم، آنموقع‌ها هنگام محرم، دهل می‌زدند، نخل می‌بردند علم می‌بردند، حالا اینکارها را نمی‌کنند فقط می‌گویند بخوان، اینجا آدمی بود به نام "میرزانصرالله" خدا بیامرزش، او با پدر و برادرانش و

تعزیه خوانهای دیگر، محرم، شبها اینجا خانه من می خوابیدند، روزها هم مادرم خدا بیامرز برایشان غذا درست می کرد و اینها می رفتند این ده روز را تعزیه اجرا می کردند، آنموقع ها ما رفتیم مشهد، هشتاد و پنج سوار بودیم، پانزده نفر پیاده من هم زیارتنامه خوانشان بودم هم چاووش خوان، با یابو رفتیم، اول قوس رفتیم اول حوت برگشتیم هزینه مان ده تومان شد، هیچکس در فکر مادیات نبود، اینهایی که امروز تعزیه می خوانند، اینها تعزیه خوان نیستند، نمایش می دهند، نه صدا دارند نه اصالت را می شناسند.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی